

# فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- سیاست پیشگیرانه اسلام از جرم، در قرآن / سید محمد حسینی دره صوفی
- تاثیر جهت «مخالف بودن باموازیین شرعی» در آراء قضائی / حفیظ الله محمدی
- ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان / محمد اسماعیل حلیمی
- شرایط و مبانی فقهی تجدیدنظرخواهی در حقوق افغانستان / قربانعلی مبلغ
- موارد تغلیظ دیه در جرم قتل / د محمدعلی علی دادی
- بررسی فقهی شرطیت ذکوریت در قضاوت / سید رضی قادری
- احتمالات در تفسیر آیه مودت و قول صحیح در آن / سید رضا علوی

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر  
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
گرافیسیت: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ به ترتیب الفبای نام نویسندگان، الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هریت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، نام نویسنده یا نویسندگان، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، قرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم)
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.



سال دوم، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۶

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه مودّت و قول صحیح در آن

سید رضا علوی

چکیده

از آیاتی که فضیلت اهل بیت علیهم السلام را ثابت می‌کند و بیانگر شأن و جایگاه رفیع آنان است آیه مودّت است. این آیه اگرچه ظاهر آن آشکار و واضح است ولی عده‌ای از مفسرین اهل سنت در معنای آن اختلاف کرده و معنی «القربی» را معانی بعید از ذهن گرفته‌اند. در این مقاله به بررسی احتمالات و جواب آن‌ها پرداخته شده و در نهایت قول صحیح در تفسیر آیه با چند روایت از کتب تفسیری اهل سنت تأیید شده است.

واژه‌گان کلیدی: آیه مودّت، مودّت، قربی، ذوی القربی، قرب نسبی

۱. مقدمه

آیاتی زیادی از قرآن کریم بیانگر شأن و منزلت اهل بیت پیامبر ص است. یکی از آن آیات گهر بار آیه مودت است. که به موجب آن وجوب مودت و محبت به خاندان پیامبر بر مسلمانان واجب می‌شود. آیه مودت اگرچه وجوب محبت به خاندان پیامبر را می‌رساند اما این بحث سطحی آن و تفسیر سطحی آن است اگر این وجوب محبت به صورت مطلق ثابت شود لازم است آنان معصوم از خطا و اشتباه باشند. از این جهت بین مفسرین شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه اختلاف فراوانی است. در این که مراد از قریبی چه کسانی هستند؟ اینکه آیا خطاب به قریش است یا به همه مردم؟ و دیگر احتمالات که در این مقاله بدان‌ها اشاره شده است.

در این مقاله کوشیدیم احتمالاتی که در مورد «القریبی» بوده از لابلائی تفاسیر استخراج کرده و قول صحیح از آن‌ها را برگزینیم و مؤیدات روایی آن را نیز ضمیمه آن کنیم تا دیگر قابل خدشه نباشد.

۱-۱. آیه مودت

«ذَلِكَ الَّذِي يُشِيرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ». (شوری/۲۳)

این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد، بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس عمل نیکی انجام دهد بر نیکی اش می‌افزایم، چرا که خداوند آمرزنده و شکرگزار است.

۱-۲. مکی یا مدنی بودن آیه

اگرچه سوره شوری سوره مکی است اما بگفته بسیاری از مفسرین چهار آیه از این سوره مدنی است که یکی آن آیات همین آیه شریفه است. آلوسی در تفسیر روح المعانی نقل کرده عده‌ی گفته این آیه از آیات مدنی این سوره است و از قول مقاتل نیز این قول را نقل کرده است.

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه موَدّت و قول صحیح در آن \* ۱۴۹

(آلوسی؛ ۱۴۱۵، ۱۳، ۱۲) تفسیر لباب التأویل نیز از ابن عباس روایت کرده که چهار آیه از این سوره مدنی است. (بغدادی؛ ۱۴۱۵، ۴، ۹۳) زمخشری در کشاف و ابن جزئی در التسهیل لعلمو التنزیل می‌نویسد: «این سوره مکی است مگر آیات ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷ که این آیات در مدینه نازل شده است. (زمخشری؛ ۱۴۰۷، ۴، ۲۰۸؛ ابن جزئی غرناطی؛ ۱۴۱۶، ۲، ۲۴۴) ابن جوزی و قرطبی نیز از قول ابن عباس و قتاده آورده که گفته‌اند چهار آیه از این سوره مدنی است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ۴، ۵۸؛ قرطبی؛ ۱۳۶۴، ۱۶، ۱)

از مفسرین شیعه نیز علامه طبرسی در مجمع البیان از ابن عباس و قتاده همین قول را روایت نموده. (طبرسی؛ ۱۳۷۲، ۹، ۳۱)

### ❖ ۱-۳. شأ نزول آیه

بسیاری از مفسرین شیعه (بحرانی؛ ۱۴۱۶، ۴، ۸۲۲؛ طبرسی؛ ۱۳۷۹، ۹، ۴۴؛ عروسی حویزی؛ ۱۴۱۵، ۴، ۵۷۸) و عده‌ای از مفسرین اهل سنت (آلوسی؛ ۱۴۱۵، ۱۳، ۳۸؛ سجستانی؛ ۱۳۸۳، ۱، ۲۶۸۸؛ میدی؛ ۱۳۷۱، ۹، ۲۳) شأن نزولی این آیه شریفه چنین نقل کرده‌اند: «عن سعید بن جبیر عن عبد الله بن عباس أن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) حين قدم المدينة واستحکم الإسلام قالت الأنصار فيما بينها نأتي رسول الله ص فنقول له إن تعرك أمور فهذه أموالنا تحکم فيها غير حرج و لا محظور عليك فأتوه في ذلك فنزلت «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» فقرأها عليهم و قال تودون قرابتي من بعدي فخرجوا من عنده مسلمين لقوله فقال المنافقون إن هذا لشيء افتراء في مجلسه أراد بذلك أن يدللنا لقرابته من بعده فنزلت أم يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَأرسل إليهم فتلاها عليهم فبكوا و اشتد عليهم فأنزل الله وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ الْآيَةَ فَأرسل في إثرهم فبشرهم و قال وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا و هم الذين سلموا لقوله».

هنگامی که پیامبر وارد مدینه شد و پایه‌های اسلام محکم گردید، انصار گفتند: ما خدمت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌رسیم و عرض می‌کنیم: اگر مشکلات مالی پیدا شد، این اموال ما بدون هیچ‌گونه قید و شرط در اختیار تو قرار دارد، هنگامی که این سخن را خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عرض کردند، آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» [شوری/۲۳] بگو: بر این رسالت مزدی از

شما، جز دوست داشتن خویشاوندانم نمی‌خواهم، و هر که کار نیکی کنید، به نیکویی‌اش می‌افزاییم، زیرا خدا آمرزنده و شکرپذیر است» نازل شد، و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آیه را بر آن‌ها تلاوت کرد، سپس فرمود: «نزدیکان من را بعد از من دوست بدارید، آن‌ها با خوشحالی و رضا و تسلیم از محضرش بیرون آمدند، اما منافقان گفتند: این سخنی است که او بر خدا افترا بسته، و هدفش این است که ما را بعد از خود در برابر خویشاوندانش ذلیل کند. سپس آیه بعد نازل شد و فرمود: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا [شوری/۲۴] یا می‌گویند که بر خدا دروغ می‌بندد». و به آن‌ها پاسخ داد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به سراغ آنان فرستاد و آیه را بر آن‌ها تلاوت کرد، گروهی پشیمان شدند و گریه کردند و سخت ناراحت گشتند آیه سوم نازل گردید: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ [شوری/۲۵] و اوست که توبه بندگان را می‌پذیرد و از گناهان عفویشان می‌کند و هر چه می‌کنید می‌داند». پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به آن‌ها بشارت داد که توبه خالصانه آنان، مقبول درگاه خدا قرار گرفته است.

#### ۰۰-۱-۴. توضیح واژگان

برای فهم صحیح يك نص اول باید تمام مفردات آن را به درستی فهمیده و معانی لغوی و اصطلاحی آن را به درستی درک نموده و اگر متن مورد نظر نص کهن باشد باید شرایط و زمانی و مکانی آن را نیز در نظر بگیریم و سپس معنای مناسب را برای لفظ برگزینیم که استعمال آن در آن دوره مورد تأیید لغت شناسان باشد. بدین سبب شناخت مفردات يك نص برای فهم و تفسیر آن از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

برای فهم آیه مورد نظر نیز فهم دقیق و درست چند واژه ضروری و لازم است که در این مختصر بدان اشاره می‌شود.

#### ● ۱-۱-۴. مودّت

لغت شناسان مودّت را از وِدّ به معنای حب و دوست داشتن دانسته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳، ۴۵۳؛ فیومی، ۱۴۱۴، ۶۵۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳، ۱۵۹؛ زیبدي، ۱۴۱۴، ۵، ۳۰۴) اما بعضی از لغت

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه مودّت و قول صحیح در آن \* ۱۵۱

شناسان مانند راغب می‌نویسد: «وَدَّ» محبت به چیز است، و آرزو داشتن نسبت به آن و یا هر دو معنی در این واژه بکار می‌رود زیرا تمنی که آرزو داشتن و دریافت چیزی نمودن است که متضمن و در بر گیرنده معنی دوستی است (زیرا دوستی از سه مرحله نیاز، شناخت و سپس عشق و محبت) می‌گذرد. و معنی خواستن و تمایل شدید رسیدن و بدست آوردن چیز است که دوستش دارند. (راغب اصفهانی؛ ۱۳۷۴، ۴؛ ۴۳۱) اگرچه لغت شناسان دیگری نیز «وَدَّ» را به این معنا گرفته‌اند مانند زمخشری در مقدمة الادب (زمخشری؛ ۱۳۸۶، ۱۶۸) و کتاب العین والمحیط فی اللغة چنین می‌آورد: «الوَدُّ مِنَ الْاِمْتِنَةِ» (صاحب، ۱۴۱۴، ۹، ۳۹۶؛ فراهیدی؛ ۱۴۰۹، ۸، ۱۰۰) پس «وَدَّ» یعنی دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن، و در هر یک از این‌ها استعمال می‌شود، زیرا آرزو، خود معنای دوست داشتن را بردارد و آرزو، همان میل به دست آوردن چیزی است که آن را دوست می‌دارد.

### ● ۲-۱-۴. قُرْبِي

قُرْبِي در اصل مصدر و از ریشه «قرب» است و بنا بر تصریح لغت نویسان، قرب نقیض «بُعد» می‌باشد، (فراهیدی؛ ۱۴۰۹، ابن درید؛ ۱۹۸۸، ۱، ۳۲۴؛ جوهری؛ ۱۳۷۶، ۱، ۱۹۸) از این رو قرب به معنای نزدیکی و بعد به معنای دوری است. «قرب الشیء» یعنی نزدیکی به آن و «القرباة» و «القربی» نزدیکی در نسب و خویشاوندی رحمی است. (ابن منظور؛ ۱۴۱۴، ۱، ۶۶۲) راغب اصفهانی نیز با پذیرش این معنا تأکید می‌کند که قرب در قرب مکانی، زمانی، نسبی، مقام و منزلت و قرب روحانی به کار می‌رود. (راغب اصفهانی؛ ۱۳۷۴، ۳، ۱۵۸) فیومی در مصباح، "قربِي" و "قربة" و "قرابت" و "قرب" را مصدر "قرب" دانسته است و سپس در بیان فرق این کلمات می‌گوید: قرب در مورد مکان گفته می‌شود و قربت در مورد منزلت و "قربِي" و "قرابت" در مورد رحم و خویشاوند به کار می‌رود و در جمهره نیز "قرب شخص" به نزدیک وی از لحاظ نسب مادری یا پدری معنا شده است و در منتهی الارب نیز به "نزدیک" و "خویش" ترجمه گردیده است. از آنچه نقل شد، نتیجه گرفته می‌شود که "قربِي" مصدر است و به معنای نزدیکی در نسب و رحم می‌باشد. (بابانی، ۱۳۸۰، ش ۴۸) ۳. به اضافه اینکه واژه «قربِي» به طور کلی ۱۶ بار در قرآن کریم استعمال شده و همه جا با «ذو» همراه است، مگر آیه مودت که



«القربی» آمده است. در موارد دیگر «ذی القربی» و «ذو القربی» آمده در ماده همه از قرب گرفته شده و همه آن‌ها به معنای فامیل و نزدیکان استعمال شده است. پس سزاوار نیست این مورد به معنای دیگر غیر از آن گرفته شود مگر اینکه قرینه‌ای داشته باشد. (مکارم؛ ۱۳۷۴، ۲۰، ۴۱۰)

### • ۳-۱-۴. مواد از قربی در آیه

گفتیم که قربی و قرابة به معنی نزدیکی در نسب و خویشاوندی استعمال شده اما استعاره در معانی دیگر مثل قرب مکانی و زمانی و منزلت نیز استعمال شده است از این رو لازم است برای بدست آوردن معنی این واژه در آیه مبارکه به قرائن و شواهد مراجعه نمود اگرچه ظاهر آیه ظهور در قرابت نسبی دارد اما عده‌ای از اهل سنت معنی قربی در این آیه شریفه را به معانی دیگری حمل کرده‌اند:

### • ۴-۱-۴. تقرّب به خداوند متعال با عمل صالح

عده‌ای از مفسرین اهل سنت قربی در این آیه شریفه را به معنی تقرّب به خدا با اطاعت و عمل صالح و یا دوست داشتن کسانی اهل تقرّب به خدا هستند با اعمال نیک و ایمان و عمل صالح دانسته‌اند. (تستری؛ ۱۴۲۳، ۱، ۱۲۹؛ قشیری؛ ۳، ۳۵۱) چنانکه میباید از قول حسن بصری نقل می‌کند: « لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا، لَكِن أَمْرُكُمْ بِمُودَةِ التَّقَرُّبِ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ وَالتَّوَدُّدِ إِلَيْهِ بِالطَّاعَةِ وَالعَمَلِ الصَّالِحِ ». و در آخر با بررسی اقوال دیگر این قول را معنی صحیح آیه می‌داند. (میبدی؛ ۱۳۷۱، ۹، ۲۳)

رد این قول

ولی این نظر از قابل قبول نیست و از چند جهت به آن اشکال وارد است:

۱- معنی واژه «قربی» را لغت شناسان نزدیکی نسبی و خویشاوندی دانسته‌اند اگرچه این ماده ممکن است با استعاره در معنی تقرّب به خدا استعمال شود ولی این معنی با ظاهر آیه سازگار نیست.

۲- اگر بپذیریم که واژه «قربی» به معنای تقرّب به خدا باشد باید معنای «مودت» نیز

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه مودّت و قول صحیح در آن \* ۱۵۳

به معنای مصدري باشد تا دوست داشتن تقرب به خدا معنا شود ولي در این صورت وجه مناسبی برای «فی» وجود ندارد؛ زیرا در این صورت به حرف ربط فی نیاز نیست و دوست داشتن در تقرب به خدا معنای ندارد. ۳- اگر بگوئیم منظور دوست داشتن همدیگر در تقرب به خدا یعنی هرکس را که اهل عمل صالح و تقرب به خدا بود دوست داشته باشید چنانکه از حسن بصري نقل شد ولي این معنا مناسب با کلمه مودّت نیست و در این صورت باید «التوادّ» استعمال می‌شد که به معنای دوستی دوطرفی است نه «المودّة». (حاجی اسماعیلی؛ اسماعیلی؛ تابستان ۱۳۹۲، ش ۱۴، ۵۱-۷۸) علامه طباطبای در این مورد می‌فرماید: «در کلام خدا واژه «مودّة» بر تودّد مرد نسبت به خدا و تقرب به او بکار نرفته هرچند عکس آن در قرآن آمده و خدانود را ودود و دارای مودّت به بندگان خوانده است و فرموده: «انّ ربّي رحيمٌ ودود (هود/۹۰). پروردگار من مهربان و دوست دار بندگان است». (طباطبای، ۱۳۷۴، ۱۸، ۶۵)

و در قرآن مجید غیر از آیه مورد نظر پانزده مورد دیگر «القربی» به معنی خویشاوندان و نزدیکان نسبی بکار رفته و فقط در این مورد عده‌ای اصرار دارند که معنای خلاف ظاهر برای آن بکنند و آن را به معنی «تقرب الی الله» بگیرند.

بعلاوه در میان مخاطبین آیه کسی وجود نداشت که دوست نداشته باشد به خدا نزدیک شود حتی مشرکان نیز علاقه داشتند که به خدا نزدیک شوند و اصولاً عبادت بتها را وسیله‌ای برای این کار می‌پنداشتند. (مکارم؛ ۱۳۷۴، ۲۰، ۴۱۰)

### • ۵-۱-۴. تقرب نسبی

بعضی نیز پذیرفته‌اند که مراد از «القربی» در این آیه تقرب نسبی است، ولي باز هم در اینکه این امر متوجه چه کسانی است آیا فقط خویشاوندان پیامبر مراد است یا عام است و همه مردم را شامل می‌شود اگر خویشاوندان پیامبر مراد باشد چگونه باید تفسیر شود اختلاف نموده‌اند.

### • الف: خطاب آیه به قریش

در این صورت معنی آیه چنین می‌شود: من اجر و پاداشی از شما نمی‌خواهم جز دوست

داشتن من بدلیل قرابتی که بین من و شما وجود دارد. و این قول را تعدادی از مفسرین اهل سنت پذیرفته (آلوسی؛ ۱۴۱۵؛ ج ۱۳، ص ۳۱؛ ابن کثیر دمشقی؛ ۱۴۱۹، ۷، ۱۸۳؛ ابن جوزی؛ ۱۴۲۲، ۴، ۶۴) و بر صحت این قول به روایتی از ابن عباس استدلال می‌کنند چه چنین نقل شده است: «أخرج أحمد و عبد بن حميد و البخاري و مسلم و الترمذي و ابن جرير و ابن مردويه من طريق طاوس عن ابن عباس رضي الله عنهما انه سئل عن قوله إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى فَقَالَ سَعِيدُ بْنُ جَبْرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَرِيبَى آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَجَلَتْ أَنْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَكُنْ بَطْنٌ مِنْ قَرِيشٍ إِلَّا كَانَ لَهُ فِيهِمْ قَرَابَةٌ فَقَالَ إِنْ أَنْ تَصَلَوْا مَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ مِنَ الْقَرَابَةِ». (بخاری، ۱۴۲۲، ۶، ۱۲۹؛ الشیبانی؛ ۱، ۲۲۹)

رد این قول

اگرچه در این سند این روایت حرف سخنی است اما ما از آن صرف نظر نموده و به جواب این قول از نظر چند تن از مفسرین می‌پردازیم:

الف: سید محمد حسین فضل‌الله در تفسیر من وحي القرآن در رد این قول می‌نویسد: هدف پیامبر ص محبت مشکرین نسبت به خود ایشان نبود مگر اینکه این محبت وسیله‌ای برای رسیدن به محبت او به دلیل رسالتش باشد. رسیدن به این محبت هم برای کافرانی که نسبت به رسالت نبی گرامی اسلام که همه عقاید و کراهی‌های آن‌ها را مردود دانسته بود و آنان نسبت به پیامبر احساس کینه و دشمنی داشتند ممکن نبود پس معنا ندارد که پیامبر برای رسالتش که از جانب مشرکن پذیرفته نشده از ایشان پاداش در خواست کند؛ زیرا آنان این رسالت را برای خویش بلا می‌دانست نه نعمت تا به آن پاداش دهند. بر اساس این روایت نیز قابل قبول نیست و مردود است. (حاجی اسماعیلی؛ اسماعیلی؛ تابستان ۱۳۹۲، ش ۱۴، ۵۱-۷۸)

ب: سید محمد تقی مدرسی در تفسیر من هدی القرآن در پاسخ این قول می‌نویسد: « دعوت پیامبر، خالص از هر جنبه مادی و تعصّب قومی و نژادی بود و سزاوار نبود که پیامبر قومش را به سالم دعوت کند به این خاطر که از نظر نسب به او نزدیک بودند. و انبیاء دیگر نیز با قوم خود خویشاوندی داشتند ولی از هیچ کدام آن‌ها چنین سخنی نمی‌بایم و آنان فقط بر این مسأله تأکید داشتند که هیچ اجری از قوم خود در خواست نمی‌نمایند. (مدرسی، ۱۴۱۹، ۱۲، ۳۳۶-۳۳۷) بنا بر این نظریه حرف «فی» در آیه باید به معنای سببیت و تعلیل باشد که مجاز

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه مودّت و قول صحیح در آن \* ۱۵۵

و خلاف ظاهر است و نیاز قرینه ندارد حال آنکه در آیه قرینه معتبري آن نیست. و دیگر اینکه در خواست مودّت از مشرکاني که به حضرت کافرند اگر چه به لحاظ قرابت نسبي نیز باشد حاكي از ضعف و ذلّت براي خواست کننده است که از ساحت مقدس نبي گرامي اسلام دور است. (حاجي اسماعيلي؛ اسماعيلي؛ تابستان ۱۳۹۲، ش ۱۴، ۵۱-۷۸)

ج: علامه طباطبائي در الميزان در رد این قول مي نويسد: « برای اینکه معنای اجر وقتی تمام می شود که درخواست کننده آن، کاری کرده باشد، و سودی به مردم رسانده باشد، و در ازاء آن مزد طلب کند، مزدی که برابر عمل عامل باشد، و در مورد بحث، اجر وقتی معنا دارد که رسول خدا قريش را هدايت کرده باشد، و ایشان ايمان آورده باشند، چون با فرض باقی ماندن در کفر و تکذيب دعوت آن جناب، چیزی از آن جناب نگرفته اند تا در مقابلش اجری بدهند، و به فرض هم که به آن جناب ايمان آورده باشند، تازه به یکی از اصول سه گانه دين ايمان آورده اند، نه به همه آن تا باز بدهکار مزد باشند، علاوه بر اینکه در همین فرض دیگر بغض و دشمنی تصور ندارد، تا ترك آن مزد رسالت فرض شود، و رسول خدا آن را از ایشان بخواهد.

و کوتاه سخن اینکه: در صورتی که پرسش شدگان در این سؤال کافر فرض شوند معنای اجر تصور ندارد، و در صورتی که مؤمن فرض شوند، دشمنی تصور ندارد تا به عنوان مزد بخواهند دست از آن بردارند. « (طباطبائي، ۱۳۷۴؛ ج ۱۸، ص ۶۱)

و کلام آخر اینکه این نظر به روایاتي بسياري که در تفسیر این آیه در کتب عامه خاصه وارد شده ناسازگار است.

### • ب: خطاب آیه به انصار

اگر مخاطب در آیه انصار را بگیریم معنای آن چنین می شود: « من از شما پاداشي نمی خواهم جز اینکه با خویشاوندان من که در بین شماست محبت و دوستي کنید». قائلین به این قول در توجیه نظر خود این شأن نزول را برای آیه آورده اند: « أن الأنصار أتوا رسول الله صلى الله عليه وسلم بمال جمعوه وقالوا: يا رسول الله، هدانا الله بك، وأنت ابن أختنا، و تعروك حقوق و ما لك سعة، فاستعن بهذا على ما ينوبك، فنزلت الآية، فردّه». (اندلسي، ۱۴۲۰،

۹، ۳۳۴؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ۸، ۳۱۰) انصار مالی را خدمت رسول خدا آوردند و گفتند: ای رسول خدا خدا به وسیله تو ما را هدایت نمود و تو فرزند خواهر ما نیز هستی (رسول خدا از طریق آمنه با اهل مدینه نسبت دارد) این مال را به مصارف شخصی خود برسان و هر طور صلاح می دانید مصرف نمایید و این آیه نازل شد و رسول خدا آن مال را رد کردند.

رد این قول

الف: علامه طباطبائی در رد این قول می نویسد: این قول نمی تواند صحیح باشد چون محبت و علاقه انصار نسبت به پیامبر ص چنان شدید بود که وقتی حضرت در مکه بود از او درخواست کرد که به مدینه مهاجرت فرماید و در مدینه جال و مال و زندگی شان را فدای پیامبر نمودند تا جایی که خداوند در مورد آنان چنین سخن می گوید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/۹) و آنان را ستایش می کند وقتی دوستی انصار با مهاجرین به این حد است دیگر چه معنای دارد خداوند به رسول خدا مأمور نماید که از ایشان بخواهد به خویشاوندان مادریش که یک خویشاوندی دور است محبت بورزند و آنان را دوست بدارند. (طباطبائی، ۱۳۷۴؛ ۱۸، ۶۲)

### • ج: خطاب عام باشد

به این تفسیر که «من از شما اجر و پاداشی نمی خواهم مگر اینکه بستگان خودتان را بعنوان پاداش رسالت دوست بدارید و صله رحم بجا آورید».

رد این قول

اگر چه این قول هیچ قائلی ندارد ولی در لابلای تفاسیر فقط بعنوان یک احتمال ذکر شده و جواب آن نیز معلوم است.

۱. در این صورت هیچ تناسبی بین رسالت و پاداش آن وجود ندارد چون دوست داشتن بستگان چه خدمتی به می تواند به پیامبر باشد تا مزد و اجر رسالتش باشد؟!
۲. دوست داشتن خویشاوندان به صورت مطلق نکو نیست بلکه ملاک محبت به خویشاوندان باید ایمان باشد که قرآن آن را چنین بیان می فرماید: « لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه مودّت و قول صحیح در آن \* ۱۵۷

وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا فِيهَا رِزْقٌ مِنَ اللَّهِ عَنَّهُمْ وَرِضْوَانٌ عَنَّا أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (مجادله/۲۲)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن‌ها را تقویت فرموده، و آن‌ها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند خدا از آن‌ها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند آن‌ها «حزب الله» اند بدانید «حزب الله» پیروان و رستگارانند.

و از سیاق آیه نیز مشخص یا مقید نمی‌توان استنباط کرد تا مودت فقط نسبت به اقربائی مؤمن اجر رسالت قرار بگیرد.

۳. اسلام مردم را دعوت به دوست داشتن خویشاوندان به خاطر اینکه خویشاوند است نمی‌کند بلکه محبتی که اسلام به آن دعوت می‌کند محبت فی الله است بدین سبب مسئله خویشاوندی، کمترین دخالتی در آن ندارد. اگر اسلام امر به صله رحم و نهی از قطع رابطه می‌کند صرفاً بعنوان اینکه رحم و خویشاوند است چنین امر و نهی نمی‌کند. علاوه بر اینکه اثبات این مطلب از آیه قرینه می‌خواهد و قرینه‌ای در آیه ندارد. (طباطبائی، ۱۳۷۴؛ ۱۸، ۶۴)

۴. این معنا با ظاهر آیه مناسبت ندارد و مناسبت حکم و موضوع حکم می‌کند که منظور از «قریبی» در آیه خویشاوندان پیامبر ص باشد چون مودت آنان است مناسب اجر رسالت است نه مودت هر کس با خویشاوندان خود که «صله رحم» نامیده می‌شود. (بابائی، ۱۳۸۰، ش ۴۸)

### ● (د) خطاب به دوستی با خویشاوندان نزدیک پیامبر

به این تفسیر که «اجر و پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی با خویشان نزدیکم». این قول را اکثر تفاسیر شیعه و بعضی از معتبرترین تفاسیر عامه که عبارتند از: «تفسیر کبیر (مفتاح الغیب)» فخر رازی (قرن ششم) (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ۲۷، ۵۹۵)، «الکشف و البیان»

ثعلبی نیشابوری قرن پنجم، (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ۴، ۲۲۰) «الکشاف» زمخشری (قرن ششم) (زمخشری؛ ۱۴۰۷، ۴، ۲۲۰) «انوار التنزیل و اسرار التأویل» بیضاوی (قرن هفتم)، (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۵، ۸۰) «بحر المحيط فی التفسیر» اندلسی (قرن هشتم)، (اندلسی، ۱۴۲۰، ۹، ۳۳۵) و بر این مطلب روایات زیادی که در کتب اهل سنت وارد شده و هم از ائمه شیعه علیهم السلام وارد شده دلالت می‌کند.

در تأیید این تفسیر روایات زیادی از عامه و خاصه در کتاب‌های حدیثی و تفسیری وارد شده که هر گونه شك و تردید را نسبت به این رأی بر طرف می‌کند. از علمای شیعه مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب «غایة المرام» ۲۲ روایت در تفسیر این آیه از ائمه شیعه علیهم السلام نقل می‌کند. (بحرانی، ۱۴۲۲، ۳، ۲۳۰-۲۳۵) و مؤلف کتاب تفسیر نور الثقلین در تفسیر این ۲۲ روایت از کتب شیعه نقل کرده است. و از علمای اهل سنت ابو القاسم حاکم حسکانی در «شواهد التنزیل» ۲۲ روایت را در ذیل آیه آورده است که ۱۶ حدیث آن مناسب با این تفسیر است. و در آن‌ها «القربی» را خویشان نزدیک پیامبر ص دانسته و بر آن‌ها تطبیق داده که که در ۷ حدیث نام حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام برده شده و بر آن تصریح شده که مصداق «القربی» اینان هستند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ۲، ۱۸۹).

فخر رازی در این مورد می‌نویسد: «من می‌گویم: آل محمد ص کسانی هستند امر خویش را به او محول می‌کند پس هر کس وابستگی اش به او بیشتر باشد او آل پیامبر است و شکی نیست که علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بیشترین تعلقات را پیامبر داشتند و این نقل‌های متواتر معلوم است پس واجب است آن‌ها را آل پیامبر بدانیم. اگرچه مردم در معنی آل اختلاف کرده‌اند عده‌ای آن را حمل بر امت پیامبر ص کردند و عده‌ی حمل بر اقارب او ولی چه حمل بر امت کنیم یا اقارب بهر حال قدر متیقن از آل آنان هستند. پس به هر تقدیر می‌توانیم بگوئیم آن‌ها آل پیامبر ص هستند ولی در دخول بقیه در تحت این لفظ اختلاف است. (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۹۵)

در این مختصر ما به چند نمونه از روایات که از طریق اهل سنت وارد شده اشاره می‌کنیم.

حاکم حسکانی در «شواهد التنزیل» از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند: هنگامی

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه مودّت و قول صحیح در آن \* ۱۵۹

که آیه «قل لا أسئلكم عليه اجراً الا المودة فی القربی» نازل شد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا این‌ها کیستند، که خداوند ما را به محبت آن‌ها امر کرده است؟ فرمود: علی، فاطمه و فرزندان آن دو می‌باشند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ۲، ۱۸۹)

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل از ابی امامه باهلی، نقل می‌کند: رسول خدا ص فرمود: خداوند پیامبران را از درخت‌های مختلفی آفرید و من و علی را از یک درخت آفرید، من اصل آن هستم و علی شاخه آن و فاطمه موجب بارور شدن آن درخت است، و حسن و حسین میوه‌های آن هستند، پس هرکس به شاخه‌ای از شاخه‌های آن بیاویزد، نجات می‌یابد و کسی که منحرف شود سقوط می‌کند، و اگر بنده‌ای خدا در میان صفا و مروه هزار سال و پس از آن هزار سال و از آن پس هزار سال عبادت کند، اما جهت ما را نداشته باشد، خداوند او را به صورت، در آتش افکند، پس پیامبر (برای تأیید این مطلب) این آیه را تلاوت فرمود «قل لا أسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی». (حسکانی، ۱۴۱۱، ۲، ۲۰۳)

زمخشری در کشاف، فخر رازی در تفسیر کبیر و قرطبی در جامع الاحکام القرآن از پیامبر اکرم ص درباره محبت آل محمد در ذیل آیه مودت، روایتی نقل کرده‌اند که این روایت مطابق نقل کشاف و تفسیر کبیر فخر رازی چنین است: رسول خدا(ص) فرمود: هرکس با محبت آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است. آگاه باشید: هر کس با محبت آل محمد (ص) از دنیا رود، بخشیده شده است. آگاه باشید: هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود، با توبه از دنیا رفته است. آگاه باشید: هر کس با محبت آل محمد (ص) از دنیا برود، مؤمن با ایمان کامل از دنیا رفته است. آگاه باشید: هرکس با محبت آل محمد(ص) از دنیا رود، فرشته مرگ او را بشارت به بهشت می‌دهد؛ سپس فرشتگان منکر و نکیر به او بشارت دهند. آگاه باشید: هرکس با محبت آل محمد(ص) از دنیا رود، او را با احترام به سوی بهشت می‌برند، آن چنان که عروس به خانه داماد. آگاه باشید: هرکس با محبت آل محمد(ص) از دنیا رود، در قبر او دو در به سوی بهشت گشوده می‌شود. آگاه باشید: هرکس با محبت آل محمد(ص) از دنیا رود، قبر او را، زیارتگاه فرشتگان رحمت، قرار می‌دهند. آگاه باشید: هرکس با محبت آل محمد از دنیا رود، به سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته است،

آگاه باشید: هرکس با عداوت آل محمد(ص) از دنیا رود، روز قیامت در حالی وارد عرصه‌ی



محشر می شود که در پیشانی او نوشته شده: مایوس از رحمت خدا، آگاه باشید: هرکس با بغض آل محمد (ص) از دنیا برود، کافر از دنیا رفته است. آگاه باشید: هرکس با عداوت آل محمد (ص) از دنیا برود، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد. (زمخشری؛ ۱۴۰۷، ۴، ۲۲۰، (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ۲۷، ۵۹۵؛ قرطبی، ۱۴۲۳، ۱۶، ۲۳)

استثناء در آیه

در اینکه استثناء در آیه شریفه چه نوع استثنائی است، متصل یا منقطع؟ میان مفسرین اختلاف است.

چنانکه مرحوم طبرسی در مجمع البیان می نویسد: « در استثناء در آیه دو قول است:

۱- این استثناء منقطع باشد، زیرا مودت اهل بیت علیهم السلام با اسلام واجب شده است، در این صورت مودت اجر و پاداش رسالت نخواهد بود.

۲- استثناء متصل باشد، که معنی آیه چنین می شود: من از شما در مقابل رسالتم مزدی در خواست نمی کنم مگر مودت اهل بیت را که همین مودت را اجر و پاداش خودم قرار داده ام. به عبارت دیگر من برای رسالتم چیز از شما نمی خواهم مگر دوست داشتن اهل بیت.

که البته در این صورت اشکالی بر آیه وارد نیست که مخالف با آیات دیگری باشد که نفی در خواست اجر و پاداش می کند چون سود این مودت به اهل بیت به خود مردم بر می گردد.

(طبرسی؛ ۱۳۷۹، ۲۲، ۱۳۰؛ (زمخشری؛ ۱۴۰۷، ۴، ۲۱۹؛ (فخر الدین رازی، ۱۴۲۰، ۲۷، ۵۹۴)

ولی بنابر اینکه اصل در استثناء متصل بودن است مگر قرینه بر منقطع بودن باشد از ظاهر آیه شریفه این طور بر داشت می شود که استثناء متصل است.

#### ۵. جمع بندی و نتیجه

در این که مراد از «القربی» چه کسانی هستند و خطاب متوجه کیست؟ چند احتمال مطرح شده که به همه آن ها پاسخ داده شد و احتمال آخر که احتمال صحیح است با روایات از کتب اهل سنت تأیید شد. چون اگر بپذیریم که آیه مودت از آیات مشابه است نیاز دارد نصی از پیامبرص آن را تفسیر کند و طبق این روایات شك و شبهه ای باقی نمی ماند که مراد از «القربی» نزدیکان نسبی پیامبر است نه بشکل عام بلکه چند نفر معلوم که ذکر آن ها در

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه مودّت و قول صحیح در آن \* ۱۶۱

احادیث آمده و آن‌ها معرفی شده‌اند.

### ❁ ۶. فهرست منابع

#### قرآن کریم

۱. ابن جزئی غرناطی، محمد بن احمد، کتاب الستهیل لعلوم التنزیل، دکتر عبد الله خالیدی، بیروت، شرکت دار الارقم بن ابی الارقم، ۱۴۱۶ق، چاپ اول.
۲. ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، عبد الرزاق عبد المهدي، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق، چاپ اول.
۳. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۸م، چاپ اول.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق، چاپ اول.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم.
۶. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۷. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، علی عبد الباری عطیة، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.
۸. بابائی، علی اکبر، پژوهشی در آیه مودّت، ماهنامه معرفت، ۱۳۸۰ش، شماره ۴۸، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح البخاری، محمد زهیر بن ناصر، دار الطوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، چاپ اول.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۲ق، چاپ اول.

۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق، چاپ اول.
۱۳. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.
۱۴. تستری ابو محمد، سهل بن عبد الله، تفسیر التستری، محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق، چاپ اول.
۱۵. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق، چاپ اول.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ش، چاپ اول.
۱۷. حاجی اسماعیلی، محمد رضا؛ اسماعیلی، داود، تحلیل تفسیری آیات پاداش رسالت، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال چهارم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۴.
۱۸. حسکانی، عبید الله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محمد باقر محمودی، تهران، سازمان چاپ نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق، چاپ اول.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ه. ش.
۲۰. زبیدی، مرتضی بن محمد، تاج العروس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق، چاپ اول.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، مقدمة الادب، تهر، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ش، چاپ اول.
۲۲. زمخشری، محمود، الكشف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق، چاپ سوم.
۲۳. الشیبانی، احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، مصر، مؤسسه قرطبه.
۲۴. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ق، چاپ اول.
۲۵. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم، موسوی همدانی، سید

## بررسی احتمالات در تفسیر آیه موّدت و قول صحیح در آن \* ۱۶۳

- محمد باقر، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ش، چاپ پنجم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم.
۲۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ش، چاپ سوم.
۲۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، چاپ چهارم.
۲۹. فخر الدین رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۰۹ق، چاپ دوم.
۳۱. فیومی، مصباح المنیر فی غریب الشرع الکبیر، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش، چاپ اول.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، هشام سمیر البخاری، الرياض، دار عالم الکتب المملكة العربية السعودية، ۱۴۲۳ق.
۳۴. قشیری، عبد الکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، ابراهیم بسونی، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۳۵. سجستانی، أبو یعقوب امحمد عزة دروزة، التفسیر الحدیث، القاهرة، دار إحياء الکتب العربية، ۱۳۸۳ق.
۳۶. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق، چاپ اول.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش، چاپ اول.
۳۸. میبدی، رشید الدین احمد بن ابی سعید، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، امیر

# Nasim Kowsar

## Scientific Quarterly



- Islam's preventive policy against crime, in the Qur'an/ Hosseini Dareh Sufi
- The effect of "being against Sharia standards" in judicial opinions/ Hafizullah Mohammadi
- The criterion of enemy and enemy in the jurisprudence and law of Iran and Afghanistan / Halimi
- Jurisprudential conditions and foundations of appeals in Afghan law/ Megami
- Cases of concentration of money in the crime of murder/Mohammed Ali Ali Dadi
- Jurisprudential examination of the conditionality of mention in judgment/Qaderi
- Possibilities in the interpretation of the verse of Muddat and the correct saying in it / Alavi